

بازشناسی عوامل کلیدی موفقیت در مدیریت نظام اسلامی از منظر نظریه سیستمی

علی رضائیان*، علی عبدالهی نیسیانی**

چکیده

شواهدی از تجربه‌های مستند نشان می‌دهد که برخی از پدیده‌های نظام اسلامی (اسلام به‌عنوان یک سیستم) تأثیر ممتازی بر شکل‌دهی و جهت‌دهی نظام اسلامی دارند. این پژوهش به دنبال یافتن این عوامل و توجیه علمی رفتار آن‌ها در یک سیستم است. این پژوهش بنا به ماهیت بین‌رشته‌ای خود همزمان با دو حیطه موضوعی متفاوت (علم مدیریت سیستم‌ها و مباحث اسلامی) مواجه است؛ از این رو از گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی - که یک روش تخصصی تحلیل متن است - استفاده می‌شود و بر اساس مشخصه‌های عمومی عوامل کلیدی موفقیت، احادیث مرتبط را گزینش و محتوای آن‌ها را به‌صورت نظام‌مند کدگذاری و تجزیه و تحلیل می‌کند و در نهایت در قالب مدل ارائه می‌نماید. این پژوهش به‌وسیله پیروی گام‌به‌گام از روش تحلیل محتوای کیفی، بررسی صحت سندی احادیث بر اساس اصول علوم حدیث و رجوع به کارشناسان تلاش کرده است تا حداکثر اعتبار علمی لازم را تأمین کند. ۱۰ مورد از عوامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی منطبق با مشخصه‌های عمومی عوامل کلیدی موفقیت شناسایی و نحوه سنجش و ارزیابی مدیریتی آن‌ها نیز بیان شد؛ همچنین به‌منظور افزایش قابلیت استفاده از آن‌ها، هر یک از این عوامل کلیدی موفقیت بر اساس ویژگی‌های بیان شده در احادیث و متناسب با مبانی نظری رایج عوامل کلیدی موفقیت مجدداً تعریف شده و در نهایت به‌صورت مدل ارائه شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: عوامل کلیدی موفقیت؛ خرده سیستم‌های کلیدی موفقیت؛ ویژگی اهرمی؛
ویژگی بنیادین؛ نظام اسلامی؛ مدیریت.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۱۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۵

* استاد، دانشگاه شهید بهشتی.

** دکتری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این مسئله طرح شده است که آیا شواهدی از وجود برخی عوامل کلیدی موفقیت با تأثیرگذاری بسیار - نسبت به سایر ابعاد - نظام اسلامی (اسلام به‌عنوان یک سیستم) وجود دارد. و بر این اساس به جست‌وجوی این عوامل کلیدی موفقیت نظام اسلام می‌پردازد. ابتدا در قسمت مبانی نظری، شناخت مناسبی از جنبه‌های موردنیاز نظریه عوامل کلیدی موفقیت و نظریه سیستمی ارائه شده و مشخصه‌های عمومی عوامل کلیدی موفقیت یک سیستم ذکر می‌شود؛ سپس در قسمت روش پژوهش، نقشه اجرای پژوهش بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی بیان می‌شود. در قسمت نتیجه‌گیری با تحلیل روایات منتخب (روایات موسوم به «بنی‌الاسلام») نشان داده می‌شود که عوامل کلیدی معرفی‌شده در این روایات مشخصه‌های لازم عوامل کلیدی موفقیت را دارند. درنهایت در قسمت جمع‌بندی و مدل مفهومی، همه عوامل کلیدی موفقیت نظام اسلام تعریف می‌شود و جایگاه سیستمی آن‌ها در نظام اسلامی تبیین شده و با الهام از لسان روایات مدل مفهومی عوامل کلیدی موفقیت نظام اسلامی به‌صورت یکپارچه ارائه می‌گردد.

طی بررسی‌های یک پژوهش موردی مشخص شد، مسجدهای وجود دارد که در نیل به دستاوردها و اهداف اسلامی موردنظر موفقیت چشمگیری داشته است. این پژوهش به دنبال مستند کردن و کشف دلایل توفیق دستاوردهای این مسجد بر وجوه تمایز فرآیندهای عملکرد آن نسبت به سایر مساجد تمرکز کرد؛ درنهایت در یک نتیجه‌گیری متفاوت، اعلام شد که این مسجد از لحاظ ظاهر فیزیکی، موقعیت شهری، نمازگزاران و غیره کاملاً در شرایطی متعارف و همسان با متوسط سایر مساجد قرار دارد. تنها تفاوتی که موجب دستاوردهای متمایز آن شده بود، اهتمام این مسجد در اجرای تحقق برخی سفارش‌های به‌ظاهر ساده ولی موردتأکید اسلام در خصوص مساجد بود. نکته جالب‌تر، بی‌اطلاعی متولیان و اهالی مسجد از تطابق برخی اقدامات خود با سفارش‌های اسلام در مورد مسجد بود. آن‌ها دلیل رویکردهای خود را در عمل به این سفارش‌ها، ناشی از ابتکار عمل خویش در مواجهه با شرایط بیان می‌کردند. مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که متولیان زیادی از سایر مساجد نیز به‌نوبه خود سعی در ابتکار عمل داشته‌اند و توفیقات این مسجد را نمی‌شد به علت عملکرد تصادفاً مطابق با سفارش‌های اسلامی دانست. آنچه در نتایج موردکاوی مربوط به این مسجد مشخص شد این بود که در این مسجد در اثر تحقق برخی دستورهای اسلامی به‌عنوان جزئی از نظام اسلام، به‌صورتی نظام‌مند (و بر اساس تحلیلی نظام‌مند) شرایط برای تحقق دیگر دستورهای اسلام مهیا شده است (همایون و عبدالمهدی نیسیانی، ۱۳۸۶). سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که در صورت امکان توجیه نظری چنین پدیده‌ای، چگونه می‌توان نتایج این پژوهش را از سطح مسجد (به‌عنوان جزئی از

نظام اسلامی) به کلّ نظام اسلامی تعمیم داد؟ به عبارتی دیگر، عوامل اصلی که باعث موفقیت و شکل‌گیری صحیح نظام اسلامی می‌شوند - به گونه‌ای که همانند مورد مسجد دارای تأثیرهای قابل ملاحظه باشند - چه مواردی بوده و جایگاه و تأثیرگذاری هر یک از این عوامل در موفقیت نظام اسلامی چگونه است؟

به دلیل ماهیت سؤالی که در بالا مطرح شد امکان تحلیل چنین پدیده‌ای در فضای بین‌رشته‌ای نظریه عوامل کلیدی موفقیت، نظریه سیستمی و مباحث معارف اسلامی ممکن است؛ یعنی از منظر سیستمی و به صورت نظری امکان بروز چنین قابلیت‌هایی از عوامل کلیدی موفقیت یک سیستم ممکن است و برای اینکه بتوان چنین ویژگی‌هایی را در عوامل موفقیت نظام اسلامی (اسلام به عنوان یک نظام و سیستم) به دست آورد باید این عوامل را با مشخصه‌های علمی آن در منابع اسلامی جست‌وجو کرد؛ بنابراین این پژوهش با شناختی که نسبت به مشخصه‌های عوامل کلیدی موفقیت از منظر سیستمی به دست می‌دهد و بر اساس احادیث گزینش شده به شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی می‌پردازد و ویژگی‌های هر یک را تبیین می‌کند.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

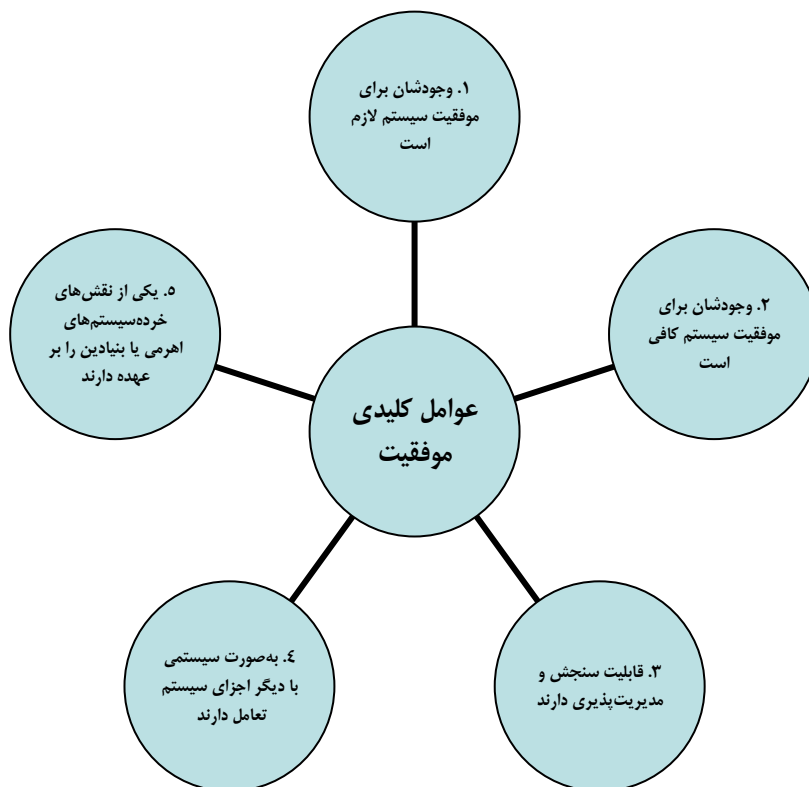
عوامل کلیدی موفقیت و مشخصه‌های عمومی شناسایی آن‌ها. در یک تعریف کلی، «عوامل کلیدی موفقیت»، مواردی هستند که باید لزوماً به خوبی برآورده شوند و مورد توجه دائمی باشند تا بتوان موفقیت و شکوفایی سازمان را تضمین کرد (Rockart, 1982, Boynton & Zmund, 1984). این عوامل فقط «شرط کافی موفقیت» نیستند؛ بلکه شناسایی و توجه به آن‌ها «شرط لازم موفقیت» نیز است؛ به گونه‌ای که اگر اهداف این عوامل برآورده نشود، موجب شکست نیز خواهند شد و یا سازمان به نتایج مطلوب خود نمی‌رسد؛ به عبارتی ساده‌تر، «عوامل کلیدی موفقیت» مواردی هستند که مدیر باید درباره آن‌ها بداند، آن‌ها را شناسایی کند و بر آن‌ها تمرکز کند و به صورت مستمر تحت نظارت و کنترل مدیر باشند (Bullen & Rockart, 1981; Thierauf, 1982; Pinto & Slevin, 1987). مفهوم محوری نظریه «عوامل کلیدی موفقیت»، تأکید بر وجود مهم‌ترین و اثرگذارترین‌ها و استفاده مناسب از آن‌ها است؛ ایده‌ای که در عین اهمیت، کاملاً ساده و رایج است. همان‌طور که متفکران «عوامل کلیدی موفقیت» نیز بیان کرده‌اند، این مفهوم در زمینه‌ها و سطوح متنوع و گسترده - حتی در سطح فعالیت‌های فردی نیز - کاربرد دارد (Rockart 1982, Watson & Frolick, 1992). این نظریه ریشه طولانی‌مدتی از زمان ارسطو در فلسفه یونان تا باورهای کنونی دارد و می‌توان اصطلاحات رایج «رمز موفقیت»، «نقاط اصلی» و «افسار کار» که افراد به منظور تأکید بر عوامل موفقیت یک

فعالیت استفاده می‌کنند را مرتبط با همین بحث دانست (Rockart & Forster, 1989).

در بررسی مجموع نظریه‌ها و یافته‌های علمی برای اینکه مجموعه‌ای از پدیده‌ها به‌عنوان عوامل کلیدی موفقیت در یک سیستم یا سازمان محسوب شوند باید پنج مشخصه مشترک داشته باشند؛ البته این مشخصه‌ها صرفاً بر اساس تعاریف و مبانی نظری قابل مشاهده نیستند و در عرصه عمل و واقعی نیز می‌توان این مشخصه‌ها را در پژوهش‌های متعددی که به شناسایی عوامل کلیدی موفقیت می‌پردازند - به‌صورت مشترک - مشاهده کرد. پنج مشخصه به‌منظور شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در یک سازمان در شکل ۱ و توضیحات زیر ارائه شده‌اند (عبداللهی نیسانی، ۱۳۸۸):

۱. عوامل کلیدی موفقیت باید شرط لازم موفقیت باشند؛ یعنی این عوامل اگر به‌صورت صحیح فعالیت کنند، کلیت مجموعه سازمان لزوماً موفق می‌شود؛
 ۲. عوامل کلیدی موفقیت باید شرط کافی موفقیت نیز باشند؛ یعنی برای موفقیت سازمان کافی است که کنترل و مدیریت مناسبی بر این عوامل معدود و محدود اعمال شود؛
 ۳. عوامل کلیدی موفقیت باید به‌صورت عینی و ملموس، قابل به‌کارگیری باشند؛ زیرا یک ابزار مدیریتی محسوب می‌شوند و باید به‌صورت بالقوه مدیریت‌پذیر باشند؛ بنابراین مفاهیم ذهنی و انتزاعی که قابلیت سنجش و بررسی و به‌تبع آن قابلیت نظارت و مدیریت ندارند، نمی‌توانند به‌عنوان عامل کلیدی موفقیت محسوب شوند؛ همچنین عواملی که به‌دلیل محدودیت‌های منابع به‌هیچ‌وجه امکان دسترسی و دستیابی به آن‌ها مقدور نیست؛ نمی‌توانند به‌عنوان عامل کلیدی موفقیت یک سازمان مطرح شوند؛
 ۴. همه عوامل کلیدی موفقیت باید نقش و وظیفه درون سیستمی داشته باشند؛ یعنی یک عامل خارجی بدون ارتباطات مؤثر و تعریف‌شده با اجزای درون سیستم (سازمان) نمی‌تواند خودبه‌خود یک عامل کلیدی موفقیت باشد؛ به‌علاوه این مشخصه تأکید می‌کند که هر عامل کلیدی موفقیت به اقتضای شرایط و روابطی که با سیستم خودش دارد به‌عنوان عامل کلیدی موفقیت تعیین می‌شود و با تغییر شرایط سیستمی تغییر عوامل کلیدی موفقیت سیستم نیز امکان‌پذیر است؛
 ۵. همه عوامل کلیدی موفقیت باید حداقل در یکی از ویژگی‌های اهرمی یا بنیادین به‌صورت ممتاز و مؤثر عمل کنند؛ یعنی یک عامل کلیدی موفقیت آنگاه که یکی از نقش‌ها و رفتارهای خرده‌سیستم اهرمی یا خرده‌سیستم بنیادین را بر عهده دارد می‌تواند به‌عنوان عامل کلیدی موفقیت آن سیستم (سازمان) محسوب شود.
- دو مشخصه ۴ و ۵ از این پنج مشخصه بر اساس دیدگاه‌های نظریه سیستمی قابل توضیح هستند؛ یعنی می‌توان عوامل کلیدی موفقیت را در برخی اجزای تخصصی شده سیستم (خرده‌سیستم‌های

کلیدی موفقیت) بررسی کرد. این خرده‌سیستم‌ها ماهیت و ویژگی‌های رفتاری مشخصی دارند که در ادامه توضیح داده می‌شود.



شکل ۱. مشخصه‌های عمومی عوامل کلیدی موفقیت

خرده‌سیستم‌های کلیدی موفقیت. اگر به صورت سیستمی به عوامل کلیدی موفقیت نگریسته شود، عوامل کلیدی موفقیت باید یکی از نقش‌های خرده سیستم‌های اهرمی یا بنیادین را در مجموعه سیستمی که تأثیرگذاری دارند، ایفا کند. در مطالعات نظریه سیستمی بیان می‌شود که این دو نوع خرده سیستم کلیدی در سیستم‌ها وجود دارند که به دلیل ویژگی‌ها و نقش‌های کلیدی و خاص خود از سایر خرده سیستم‌ها متمایز هستند:

خرده سیستم‌های/اهرمی: این خرده سیستم‌ها به اسباب و علل کلیدی تغییرات در سیستم اشاره دارند. برخی خرده سیستم‌ها با توجه به ساختار سیستم و روابط میان خرده سیستم‌ها دارای قدرت اهرمی در ایجاد تغییر و تحول و جهش در سیستم می‌شوند. اقتدار سیستم‌ها در تعاملات و

همچنین پویایی‌های آن‌ها تحت‌تأثیر مستقیم این نقاط اهرمی است. **خرده سیستم‌های بنیادین:** این خرده سیستم‌ها به‌منظور حفظ بقا و تکامل سیستم شکل گرفته‌اند و دارای دو نقش و ویژگی متفاوت هستند:

۲- الف. **خرده سیستم‌های بنیادین با ویژگی حفظ سلامتی:** ویژگی‌هایی که حافظ سلامتی سیستم است. سیستم‌ها در راستای تمایل بنیادین خود به حفظ سلامتی به تناسب خود را دارای چنین قابلیت می‌کنند و حتی خرده سیستم‌های متخصص و با قابلیت‌هایی منحصر به فرد این امر را در خود ایجاد می‌کنند. از مثال‌های شناخته‌شده چنین خرده سیستم‌هایی، گلوبول‌های سفید در بدن انسان هستند.

۳- ب. **خرده سیستم‌های بنیادین با ویژگی پرورش و توسعه حیات:** این ویژگی بیانگر اقدام سیستم‌ها برای تکامل فیزیکی و ماهوی خود است. علاوه بر «رشد و تکامل»، این ویژگی بر «خودزایی» سایر خرده سیستم‌ها و «تولیدمثل» نیز اشاره دارد. از مثال‌های مشخص این خرده سیستم‌ها، «سلول‌های بنیادی» در بدن جانداران (به‌عنوان سیستم زنده) است. یک سلول بنیادی می‌تواند با هدایت و کنترل مناسب یک بدن کامل و سالم را بسازد (عبداللّهی، ۱۳۸۸).

نظام اسلامی به‌عنوان یک سیستم. نظریه سیستمی درصدد است با ارائه مفاهیم و زبانی مشترک بین گرایش‌ها و رشته‌های مختلف علمی به تبیین‌ها و مفاهیمی جهان‌شمول‌تر و با روایی بالاتر دست پیدا کند؛ بنابراین تعریف سیستم دارای «گستره‌ای بسیار وسیع از عوامل» است. سیستم مجموعه‌ای از اجزا است که همگی با یکدیگر رابطه دارند و در کل یک واحد را تشکیل می‌دهند (رضاییان، ۱۳۸۰). می‌توان تمامی رخدادهای پیرامون خود را از نگاه سیستم‌ها، تعامل آن‌ها با هم و قوانین جهان‌شمول بین سیستم‌ها تفسیر کرد؛ یک زبان و تفکر علمی مشترک جهانی که مسائل را از زیست‌شناسی (به‌عنوان موضوع مطالعات اولیه تفکر سیستمی) گرفته تا مهندسی مکانیک و مهندسی هوا و فضا و علوم انسانی چون جامعه‌شناسی و مدیریت و غیره تحت قواعدی بررسی و تحلیل کند (صادق‌پور و مقدس)؛ از این‌رو به اعتقاد برخی کارشناسان از رویکردهای مناسب طرح مباحث اسلامی در رشته‌هایی چون مدیریت، رویکرد سیستمی است.

منظور این نوشتار از «مدیریت نظام اسلامی»، مدیریت مجموعه‌ای از انسان‌ها و دیگر اشیا به همراه روابط بین آن‌ها است که مبتنی بر آموزه‌ها و سفارش‌های دین اسلام شکل گرفته‌اند. دین اسلام یک نظام و سیستم است که دربردارنده ماهیت و کلیت واحدی از بایدها و نبایدها و در ورای آن بود و نبودها (جهان‌بینی) به سوی اهدافی مشخص است و به همین دلیل در جای‌جای آن به یکپارچگی و مرتبط‌بودن اجزای آن تأکید شده است (به‌عنوان نمونه ر.ک. قرآن

کریم، سوره بقره، آیه ۸۵). بولدینگ (۱۹۵۶)، ادیان را مرتبط با پیچیده‌ترین سطوح سیستم‌ها (سطح نهم) طبقه‌بندی کرد که ماهیت این نوع سیستم‌ها حتی از خود انسان‌ها نیز پیچیده‌تر است (Boulding, 1956)؛ بنابراین دین اسلام الزامات یک سیستم را دارد و مدت‌ها است که به‌عنوان یک سیستم مورد بررسی پژوهشگران - از جمله پژوهشگران علم مدیریت - قرار گرفته است (Shepard, 1989؛ حمیدیان پور و همکاران، ۱۳۹۳)؛ همچنین بر اساس همین فرض پژوهشگران متعددی به بررسی خرده‌سیستم‌های مختلف زیرمجموعه نظام اسلام پرداخته‌اند و سعی داشته‌اند آن‌ها را با عنوان‌های مختلفی چون سیستم حقوقی و قضایی اسلام، سیستم اقتصادی و مالی اسلام، سیستم مدیریتی اسلام، سیستم اجتماعی اسلام، سیستم فرهنگی اسلام و از این قبیل تبیین کنند؛^۱ بنابراین، «نظام اسلامی» لحاظ شده در این نوشتار، صرفاً به وسعت یک کشور اسلامی و یک نظام اسلامی نوعی می‌تواند اندازه و حدودی کوچک‌تر (مثل یک خانواده و یا شهر) و یا بزرگ‌تر داشته باشد.

۳. روش پژوهش

انتخاب روش تحلیل محتوای کیفی. روش تحلیل محتوا از نظر ماهیت داده‌های مورد تحلیل، به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شود که این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی بهره برده است؛ زیرا تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی محدودیت دارد، نمود پیدا می‌کند. تحلیل محتوای کیفی به دنبال کاوش در عمق متن مورد نظر - در اینجا متن احادیث - است. روش تحلیل محتوای کیفی یک روش تجربی کنترل‌شده در تحلیل متن با توجه به بستر متن است که قواعد و گام‌هایی دارد. روش تحلیل محتوای کیفی به دنبال درک اصل مطلب و معنا است؛ به همین دلیل در مواردی چون انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی کیفی و روانشناسی به‌کار می‌رود تا معانی را از عمق کلمات بیرون کشیده و به‌صورت الگوهایی ارائه کند (Zhang & Wildemuth, 2009).

گام‌های پژوهش. رویکردهای مختلف تحلیل محتوا در اصل از سه مرحله مشترک و اساسی تشکیل شده‌اند: آماده‌سازی، سازمان‌دهی، گزارش نهایی (Elo & Kyngäs, 2008). این پژوهش بر اساس مشخصه‌های عمومی عوامل کلیدی و در چارچوب گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی^۲ که در متن احادیث انجام شده است، عوامل کلیدی موفقیت در نظام اسلام را

۱. برای مثال از دانشمندان یا اسلام‌شناسانی که با نگاهی سیستمی به ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی نظام اسلام پرداخته‌اند: ر.ک. Badr, 1978; Chapra, 1971; Levy, 1957; Maudoodi & Ahmad, 1994; Mushtaq et al. 2014; Qureshi, 1979; Reilly & Zangeneh, 1990; Zakiyah, 2011.

1. Zhang & Wildemuth, 2009

تجزیه و تحلیل و شناسایی می‌کند. گام‌های به صورت زیر است:

الف) آماده‌سازی

۱. مشخص کردن موضوع‌هایی که این پژوهش باید در متن احادیث به جست‌وجوی آن‌ها بپردازد و آن‌ها را بیابد؛ یعنی مشخصه‌های عمومی عوامل کلیدی موفقیت از نگاه سیستمی؛
۲. انتخاب کلیدواژه‌های معتبر و صحیح (به‌وسیله کارشناسان حدیث) به منظور جست‌وجو و یافتن روایات مرتبط با موضوع‌های پژوهش؛ به‌عبارتی دیگر، انتخاب کلیدواژه‌هایی که به یافتن مرتبط‌ترین احادیثی منجر شوند که در آن‌ها مهم‌ترین عوامل مؤثر در نظام اسلامی ذکر شده و توضیح داده شده باشند؛
۳. انتخاب نمونه‌هایی از متن و یا انتخاب روایات مرتبطی که باید تحلیل شوند؛
۴. تعیین اعتبار و صحت روایات منتخب برای استفاده در پژوهش.

ب) سازمان‌دهی: کدگذاری، تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی نکات یافته شده از متن روایات شامل:
 - شناسایی عوامل «لازم» در تحقق موفقیت سیستم در روایات: عوامل کلیدی موفقیت، عوامل مهمی هستند که اگر به صورت مناسب مدیریت نشوند، موجب شکست سازمان می‌شوند. از این ویژگی در متن این پژوهش به‌عنوان «شرط لازم» یاد شده و ناظر به نیازهای اساسی سیستم‌ها است.

- شناسایی عوامل «کافی» در تحقق موفقیت سیستم در روایات: «ویژگی شرط کافی» موجب منحصربه‌فرد شدن عوامل کلیدی موفقیت می‌شود. این ویژگی بدین معنا است که با توجه به مفاهیم مطرح در نظریه «عوامل حیاتی موفقیت» و نظریه «سیستمی»، مدیریت مناسب خرده‌سیستم‌های کلیدی موفقیت به «تضمین موفقیت» سیستم منجر می‌شود.
 - تبیین ویژگی‌های اهرمی و بنیادین در عوامل کلیدی موفقیت شناسایی شده بر اساس روایات: با توجه به نگاه سیستمی به «عوامل کلیدی موفقیت»، به منظور درک بهتری از جایگاه سیستمی عوامل لازم و کافی موفقیت باید بتوان تبیین مناسبی از ویژگی‌های اهرمی و بنیادین این عوامل ارائه داد.

- تبیین ویژگی قابلیت مدیریت و نظارت عوامل کلیدی موفقیت سیستم: عوامل کلیدی موفقیت کاملاً ملموس بوده و قابلیت نظارت را بایستی داشته باشند. این گزینه تمایز بیشتری بین مفهوم عوامل کلیدی موفقیت و مفاهیمی چون چشم‌انداز، مأموریت‌ها و ... (که بیشتر انتزاعی‌اند) ایجاد می‌کند.

- بیان جایگاه سیستمی هر یک از عوامل کلیدی موفقیت شناسایی شده: در نگاه سیستمی، «عوامل کلیدی موفقیت» تحت تأثیر روابط و ساختار کلیت سیستم ویژگی‌هایی منحصربه‌فرد

یافته‌اند؛ بنابراین باید معلوم شود که در فرآیند شناسایی آن‌ها توجه به جایگاه سیستمی هر یک از خرده‌سیستم‌های (عوامل) کلیدی موفقیت لحاظ شده است.

ج) گزارش نهایی: جمع‌بندی و ارائه گزارش نهایی که در این نوشتار ارائه شده است. به عبارتی دیگر گام‌های طی شده در این پژوهش به این صورت بود که ابتدا در پیشینه پژوهش مشخص شد که مشخصه‌های شناسایی‌کننده عوامل کلیدی موفقیت در یک سیستم چه مواردی هستند؛ سپس با توجه به این مشخصه‌ها از کارشناسان احادیث خواسته شد که کلیدواژه‌هایی را به منظور جست‌وجو در نرم‌افزار جامع احادیث معرفی کنند. طی بررسی‌ها، کلیدواژه «بُنَى الْإِسْلَام» انتخاب شد و احادیث حاوی این کلیدواژه مورد بررسی قرار گرفتند. این کلیدواژه از آنجا مورد توجه قرار گرفت که به وسیله آن احادیثی شناسانده می‌شدند که در آن‌ها عواملی بسیار مهم از نظر نظام اسلام بیان شده بودند؛ سپس اعتبار سندی و قابلیت اطمینان این احادیث بررسی و تأیید شد. تا این مرحله، قسمت آماده‌سازی (قسمت الف از گام‌های پژوهش) نهایی شد. در مرحله سازمان‌دهی (قسمت ب) در متن و محتوای روایات، پنج مشخصه عمومی عوامل کلیدی موفقیت جست‌وجو شد و یافته‌ها دسته‌بندی شدند. در مرحله گزارش نهایی این عوامل در قالب یک مدل تصویری ارائه شده است.

انتخاب کلیدواژه و احادیث. در مجموع، کلیدواژه‌های پیشنهاد شده توسط کارشناسان شامل کلمات زیر و مشتقات آن‌ها بود:

۱. اصل؛ ۲. زعامه؛ ۳. قیاده؛ ۴. اساس؛ ۵. عری؛ ۶. بناء؛ ۷. دعائم؛ ۸. رکن.

بعد از بررسی‌ها، روایات مربوط کلیدواژه «بنا» و مشتقات آن که هدایتگر این پژوهش به تعداد زیادی (۶۹ مورد) روایات حاوی عبارت «بُنَى الْإِسْلَام»^۱ بود، انتخاب شد. روایات «بُنَى الْإِسْلَام» علاوه بر آنکه به وضوح، عواملی بسیار مهم را در موفقیت نظام اسلامی برمی‌شمرد - و از این رو بسیار مرتبط با موضوع این پژوهش است - نسبت به دیگر روایاتی که به وسیله سایر کلیدواژه‌ها انتخاب می‌شدند، امتیازاتی داشت. از آن جمله، برخی کلیدواژه‌ها احادیثی را معرفی می‌کردند که کاملاً خارج از موضوع بحث این پژوهش قرار می‌گرفتند. برای مثال، روایاتی که موضوع آن‌ها، مربوط به کلیت نظام اسلام نبود و به موضوعی جزئی مربوط می‌شد؛ از سوی دیگر، هنگامی که این پژوهش با کلیدواژه‌های دیگر به میزانی پیش می‌رفت، در نهایت روال پژوهش به روایات «بُنَى الْإِسْلَام» منتهی می‌شد.

۱. در این نوشتار برای اختصار، از احادیث و روایاتی که حاوی عبارت «بُنَى الْإِسْلَام» یا مضامینی بسیار نزدیک به آن هستند به عنوان «روایات بنی الاسلام» یاد می‌شود.

عوامل بسیار مهم ذکرشده در روایات «بُنی الإسلام». بر اساس استدلال‌های زیر به خوبی روشن می‌شود که عوامل مطرح‌شده در روایات «بُنی الإسلام» نقشی بسیار مهم و اساسی در نظام اسلامی ایفا می‌کنند و به این وسیله اهمیت انتخاب این روایات به منظور شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی مشخص می‌شود:

۱. روایات متعددی از احادیث «بُنی الإسلام» مستقیماً بیان می‌کنند که اسلام بر این عوامل «بنا» شده است. قبلاً بیان شد که روایات «بُنی الإسلام» همگی به صورت مشترک حاوی عبارت «بُنی الإسلام علی...» هستند. عبارت «بنی علی» به معنای تحت‌اللفظی «بنا شده است» است. یعنی عواملی که در این روایات ذکر می‌شوند، عواملی هستند که مبانی و زیربنای نظام اسلام را شکل می‌دهند. چنین نکته‌ای اگر در کنار تأکید تکرار بیش از حد تواتر این روایات از قول افراد مختلف از حضرات معصومین (ع) قرار گیرد نشان‌دهنده ماهیت بسیار مهم عوامل ذکرشده در روایات «بنی الاسلام» است. برای مثال به روایت زیر توجه شود:

۱- حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مَعْلَى بْنِ مُحَمَّدٍ الزَّيْدِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودَى بِالْوَلَايَةِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۸)

۲. در موارد متعدد از این عوامل به «دعائم» یا «دعائم الاسلام» یاد شده است. «دعائم» به معنای «ستون‌ها» است و «دعائم الاسلام» به معنای ستون‌ها یا استوانه‌های اسلام است. در این روایات تأکید شده که «استواری» اسلام به حفظ و توجه به این عوامل است. چنین توصیفات نسبت عوامل موجود در این روایات، مؤید نقش اساسی و مهم این عوامل است. برای مثال به روایت زیر توجه نماید:

۴۰- تَفْسِيرُ النُّعْمَانِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ ع عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ص قَالَ أَمَا مَا فَرَضَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ فِدَعَائِمُ الْإِسْلَامِ وَ هِيَ خَمْسٌ دَعَائِمٌ وَ عَلَى هَذِهِ الْفَرَائِضِ الْخَمْسِ بُنِيَ الْإِسْلَامُ فَجَعَلَ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ فَرِيضَةٍ مِنْ هَذِهِ الْفَرَائِضِ أَرْبَعَةَ حُدُودٍ لَا يَسَعُ أَحَدٌ جَهْلُهَا أَوْ لَهَا الصَّلَاةُ ثُمَّ الزَّكَاةُ ثُمَّ الصِّيَامُ ثُمَّ الْحَجُّ ثُمَّ الْوَلَايَةُ وَ هِيَ خَاتِمَتُهَا وَ الْجَامِعَةُ لِجَمِيعِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنُ فَحُدُودُ الصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ مَعْرِفَةُ الْوَقْتِ....

۳. توصیف دیگری که از این عوامل در روایات موجود بیان شده، عبارت «أُتَافَى الْإِسْلَام» است. «علامه مجلسی» در توضیح این عبارت می‌فرماید: «جمع الاتِّفِيهِ...، الاحجار التي عليها القدر و اقلها ثلاثة» (بحار، ج ۶۵ ص ۳۳۰). یعنی؛ اتافی جمع اتفیه است و به معنای سنگ‌هایی است که در زیر دیگ می‌گذارند تا تعادل و ثبات خود را حفظ کند و حداقل باید ۳ تا باشند. این عبارت تعبیری دیگری است از «ستون‌ها و استوانه‌های اسلام» که در قبل گذشت؛ ولی به تعبیر «علامه مجلسی» با این مفهوم اضافی که این عوامل در نظام اسلامی با همکاری و تعامل با هم و در کنار هم می‌توانند به کار آیند و از این رو است که حداقل باید ۳ تا باشند؛ چون اگر کمتر شوند جسمی که بر آن‌ها تکیه کرده ثبات ندارد و سقوط می‌کند (بحار، ج ۶۵ ص ۳۳۰).

۴. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در روایتی مفصل از این عوامل به‌عنوان «کبار الفرائض» یاد می‌کنند. «کبار الفرائض» یعنی «بزرگ واجبات» که این تعبیر به‌صراحت به نقش مهم این عوامل تأکید می‌کند (بحار ج ۶۵ ص ۳۸۷)

۵. در روایات به طرق متعدد بر این نکته تأکید شده است که سایر مسائل، واجبات و احکام اسلام به اندازه موارد ذکر شده اهمیت ندارند. علاوه بر روایتی که در قسمت قبل به نقل از حضرت امیرالمؤمنین (ع) ذکر شد و در آنجا تعبیر «کبار فرائض» ذکر شده بود، در روایات دیگر از طریق ذکر عدد این مسئله را یادآوری می‌کنند. ذکر عدد موجب تأکید بر انحصار توصیفات می‌شود. این‌گونه احادیث با ذکر عدد درحقیقت ویژگی «منحصربه‌فرد» مهم و اساسی را برای این عوامل تصریح می‌کنند. برای مثال در روایت زیر ذکر می‌شود که اسلام بر این ۱۰ قسمت (و نه چیزی دیگر) بنا شده است:

۳۳- وَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى عَشْرَةِ أَشْهُمٍ عَلَى..... (وسائل الشيعه ج ۱ ص ۲۶).

شواهد برای تأیید نقش منحصربه‌فرد و مهم و اساسی عوامل ده‌گانه ذکر شده در روایات بیش از موارد ذکر شده است. برای مثال، حج را از بزرگ‌ترین امور نظام اسلامی معرفی می‌کند (وسائل الشيعه ج ۱ ص ۲۶) و یا اینکه در برخی روایات «بنی الاسلام» اعتقاد و عمل به همگی این عوامل را معادل خود نظام اسلام می‌داند. فهذا الاسلام (کافی، ج ۲، ص ۴۲).

بررسی صحت سندی روایات «بنی الاسلام». با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی جست‌وجو در روایات با بررسی ۴۴۲ جلد کتاب حدیثی شیعه در کل تعداد ۶۹ روایت مختلف بر مبنای کلیدواژه‌ی «بناء» به‌دست آمد. از آنجا که این روایات همگی حاوی عبارت مشترک «بنی الاسلام» و یا مضمونی بسیار نزدیک به آن بودند در این نوشتار نیز به به‌اختصار از آن‌ها به‌عنوان روایات «بنی الاسلام» یاد می‌شود. تمامی روایات «بنی الاسلام» به‌دست‌آمده، به لحاظ راوی یا معصومی که از او روایت نقل شده یا منبعی که روایت در آن مستند گشته و یا الفاظی که در روایت استعمال شده است با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. مجموعه روایات «بنی الاسلام» از ۱۵ منبع متفاوت شیعی به نام‌های «زراره بین اعین، فضیل بن یسار»، «ابوحزمه الثمالی»، «عبدالله بن عجلان»، «محمد بن سالم»، «ابن بابویه»، «مفضل بن عمر»، «تفسیر نعمانی»، «المجاشعی و ابی سعید خدری» و از پنج معصوم شامل پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین (ع)، امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و امام رضا (ع) نقل شده‌اند؛ البته اسامی ذکر شده از معصومین (ع) بدون احتساب عناوین روایاتی است که یکی از ائمه به‌صورت سلسله‌وار روایت را از پدر و اجداد طاهرینش ذکر

کرده است؛ همچنین برخی از روایات ذکر شده در کتب شیعه به نقل از «ابن عمر» وجود دارد که فردی غیر شیعی بوده و از پیامبر اکرم (ص) این روایت را نقل کرده است. از آنجاکه این روایات به نقل از «ابن عمر» و بر اساس کتابی چون «صحیح بخاری» ذکر شده‌اند، مورد وثوق اهل سنت است و به دلیل قرابت محتوایی با روایات نقل شده توسط شیعه می‌توان آن را مؤیدی بر تقویت اعتبار روایات شیعی در نظر گرفت.

تقریباً تمامی روایات ۶۹ گانه «بُنیَ الاسلام» دارای وحدت مفهومی و نزدیکی زیاد محتوایی هستند. پس از یک جمع‌بندی می‌توان گفت که وجه اشتراک تمامی آن‌ها چنین است: «بُنیَ الْإِسْلَامَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ^۱». در برخی از روایات عبارت بالا با تفصیل و تفسیر و توضیح بیشتر و در برخی با حداقل توضیحات ذکر شده است. گاهی نیز فقط به نام‌بردن موارد اکتفا شده است.

بر اساس تعداد زیاد نقل شده از این روایات^۲ و با توجه به مفاهیم اعتبار حدیث نتیجه‌گیری شد که روایات بنی الاسلام، «تواتر مفهومی» دارند و بسیار معتبر و قابل استفاده هستند. روایت متواتر بر اساس مباحث حدیث‌شناسی از معتبرترین نوع روایت هستند. تواتر بدین معنا است که روایتی آنچنان از منابع مختلف تکرار شود که بتوان با اطمینان به صحت وجود آن‌ها (عدم احتمال جعل و تحریف) پی برد. تواتر روایات به سه صورت است:

۱. تواتر لفظی: یعنی خود لفظ روایت عیناً تکرار شده باشد؛
 ۲. تواتر مفهومی: یعنی در عین اینکه الفاظ روایات مکرر با یکدیگر کمابیش تفاوت دارند، همگی دم از مفهوم یا مفاهیمی واحد می‌زنند؛
 ۳. تواتر اجمالی: تواتری است که در مفاهیم زیربنایی‌تر (وگاهی مفروضات) روایات مدنظر قرار می‌گیرد. برای مثال، اینکه هدف احکام اسلام تکامل انسان است (مدیر شانه‌چی، ۱۳۶۳).
- «حد تواتر» یعنی آن مقداری از تکرار یک روایت که آن را متواتر بدانیم. حد تواتر، بسته به ماهیت روایات متغیر است. برای مثال، اگر روایاتی با سند صحیح ذکر شده باشند و احتمال غرض‌ورزی و سودجویی دیگر مذاهب به وسیله تحریف حدیث (مطلبی در حدیث به نفع دیگر مذاهب مسلمین تغییر کند) کم باشد، اطمینان بیشتری ایجاد شده و حد تواتر در این روایات پایین‌تر می‌آید.

تعداد هفت روایت ذکر شده از منابع مختلف، یکی از حدود تواتری است که کارشناسان حدیث برای روایات مطمئن ذکر کرده‌اند. روایات «بُنیَ الاسلام» همان‌طور که بیان شد هم در منابع

۱. توجه شود که این عبارت وجه اشتراک لفظی و محتوایی این روایات ۶۹ گانه است و خود عین لفظی هیچ روایتی نیست.
 ۲. طبق نظر کارشناسان دینی این پژوهش، حدود ۵ تا ۷ بار تکرار یک روایت از سلسله سندهای مختلف، حاکی از قابلیت اطمینان زیاد به آن روایت است.

موردوثوق شیعی و همچنین منابع مورد تأیید اهل سنت ذکر شد است که صرفاً تعداد راویان اولیه (بلافاصل) از معصومین (ع) یازده تن هستند؛ بنابراین می‌توان روایات «بنی‌الاسلام» را دارای تواتر مفهومی دانست؛ در ضمن این اعداد ناظر به روایات حاوی عبارت «بُنَى الْاِسْلَام» هستند؛ و گرنه روایات حاوی همین محتوا ولی بدون عبارت بنی‌الاسلام آنقدر زیاد است که «شیخ حر عاملی^{۲۰}» پس از ذکر یک باب حدیث مفصل در این مورد می‌گوید: «زیادی روایات از حد تواتر گذشته است و روایات متواتر شده‌اند» (وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۹).

اهمیت اثبات تواتر برای روایات «بُنَى الْاِسْلَام» در آن است که بر اساس قواعد رایج ذکر شده در علوم حدیث ضعف برخی روایات در میان مجموعه روایات متواتر (به دلیل اعتبار بسیار بالای روایات متواتر) غیرقابل اعتنا است و در نتیجه می‌توان از مفاهیم ذکر شده در همه‌ی روایات با اطمینان خاطر استفاده کرد؛ البته به دلیل اینکه پژوهش حاضر موضوعی فقهی نیست چنین دقتی در بررسی صحت حدیث کفایت می‌کند؛ همچنین سعی شده است روایت‌ها از منابع معتبری چون «کتاب کافی» ذکر شوند که اعتبار آن‌ها برای این پژوهش کافی است. بسیاری از کارشناسان حدیث، روایات «کتاب کافی» را معتبر دانسته‌اند؛ زیرا که مرحوم «کلینی» (مؤلف کتاب کافی) در مقدمه این کتاب تصریح کرده که در گزینش روایات و صحت آن‌ها دقت داشته است. برای مثال، «میرزای نائینی^{۲۱}» از علمای برجسته‌ی یکصد سال اخیر، خدشه در سلسله اسناد روایات کافی را ناصحیح و ناشایست دانسته و حتی بر همین اساس مرسلات «کتاب کافی» را نیز معتبر می‌شمارد (ربانی، ۱۳۸۲).

با توجه مباحث بالا می‌توان گفت که احادیث «بُنَى الْاِسْلَام» قابلیت اطمینان بسیار بالایی در صحت حدیث و قابلیت استناد دارند و این پژوهش مجاز است با استفاده از این احادیث به شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی بپردازد.

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

بررسی عوامل ذکر شده در روایات «بنی‌الاسلام». تا اینجاى نوشتار، روایات «بُنَى الْاِسْلَام» شناسایی شده‌اند؛ روایاتی که روایاتی معتبر و قابل استناد بوده و همچنین در آن‌ها به عواملی مهم و تأثیرگذار در نظام اسلامی اشاره شده‌اند. در این قسمت به منظور شناسایی و تبیین عوامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی از مشخصه‌های عمومی عوامل کلیدی موفقیت استفاده می‌شود؛ و بررسی می‌شود که چگونه عوامل معرفی شده در روایات «بُنَى الْاِسْلَام» در واقع مشخصه‌هایی که لازمه عوامل کلیدی موفقیت هستند را دارا هستند. روایات «بُنَى الْاِسْلَام» برخی به شش مورد و برخی -علاوه بر آن شش مورد- تا چهار مورد دیگر نیز از عوامل کلیدی نظام اسلامی را به شرح زیر برشمرده‌اند:

۱. ولایت: توحید الهی؛
۲. ولایت: منتخبان الهی؛
۳. نماز؛
۴. روزه؛
۵. زکات؛
۶. حج؛
۷. جهاد؛
۸. امر به معروف؛
۹. نهی از منکر؛
۱۰. جماعت.

شش مورد اول (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)، عوامل اصلی هستند و به‌نوعی همان‌طور که «علامه مجلسی» اشاره دارد، چهار عامل بعدی (۷، ۸، ۹، ۱۰) تحت‌تأثیر آن‌ها قرار دارند؛ همچنین مفهوم «ولایت» در این روایات بیشترین توضیح را دارد؛ ولی طبق فرمایش روایات، وحدانیت خداوند و ولایت اهل بیت (ع) در یک راستا است و همگی در اینجا به‌عنوان ولایت ذکر شده‌اند. دامنه‌ی روایات مورد استفاده این پژوهش محدود به موارد استنادشده در این قسمت مقاله نیستند و در اینجا به اقتضای مطلب نمونه‌ای منتخب از چندین روایت مرتبط آورده می‌شود.

۱. مشخصه «شرط لازم» عوامل کلیدی موفقیت. یعنی توجه به عوامل کلیدی موفقیت برای موفقیت و شکست‌نخوردن لازم باشد. توضیح داده شد که یکی از ویژگی‌های اصلی عوامل کلیدی موفقیت لزوم برآورده‌شدن و مدیریت مناسب آن‌ها در تحقق و توفیق اهداف سیستم است؛ به‌عبارتی‌دیگر اگر این عوامل به‌خوبی مورد توجه و تدبیر قرار نگیرند حتماً سیستم شکست می‌خورد؛ همچنین موفقیت و شکست هر سیستم با توجه به اهداف آن سیستم معنی‌دار و مشخص می‌شود. در همین راستا، در بعضی از روایات «بُئِيَ الْاِسْلَامُ» برخی نتایج و اهداف نظام اسلامی ذکر شده است و بیان می‌شود که اگر به این عوامل کلیدی توجه و عمل شود چنین دستاوردها و موفقیت‌هایی حاصل می‌شود و اگر عمل نشود به برخی شکست‌ها منجر خواهد شد. برای مثال، در حدیث پیامبر اکرم (ص) تأکید شده موفقیت مربوط به این عوامل زیربنایی اسلام است و از ایشان دستور رسیده است که به این عوامل کلیدی عمل کنید تا وجود خود را پاکیزه و ظاهر کرده و وارد بهشت پروردگارتان شوید. (وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۳).

به‌صورت دقیق‌تر مشخصه «شرط لازم» از نگاه روایات بنی‌الاسلام به‌صورت زیر قابل مشاهده است:

۱. در روایتی حضرت امام صادق (ع) می‌فرمایند اگر شیعیان هر کدام از این عوامل را ترک کنند، قطعاً هلاک می‌شوند (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۹)؛
 ۲. در روایتی دیگر پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند، اسلام شامل همه ۹ حیطة و عوامل یادشده است و اگر شخصی فقط به یک مورد از این عوامل نه‌گانه عمل نکند و یا بی‌توجهی کند از موفقیت و دستیابی به هدف محروم مانده است. (وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۲)؛
 ۳. در توضیح عوامل کلیدی موفقیت به‌عنوان عوامل مهم از منظر روایات «بنی‌الاسلام» بحث شد که این عوامل جایگاه «ستون‌ها»، «استوانه‌ها» و «پایه‌های نگهدارنده‌ی دین اسلام» را دارند؛ البته نه پایه‌هایی که نبود برخی از آن‌ها موجب تزلزل صرف شود؛ بلکه با تعبیری که از «اثافی» (به‌معنای سنگ‌های زیر دیگ) و توضیح نقل‌شده از «علامه مجلسی» آورده شد، مشخص شد که نبود این عوامل و پایه‌ها موجب سرنگونی و شکست نظام اسلام نیز می‌شود (ر.ک عوامل بسیار مهم ذکر شده در روایات بنی‌الاسلام)؛
 ۴. بر اساس اهمیت، این «بزرگ‌ترین واجبات» است که باید در راستای دستیابی به اهداف مدنظر اسلام، همه این عوامل را با جزئیاتش بشناسند و کسی اجازه ندانستن آن‌ها را ندارد (وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۷)
- ... عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: ... وَ عَلَى هَذِهِ الْفَرَائِضِ بُنِيَ الْإِسْلَامُ فَجَعَلَ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ فَرِيضَةٍ مِنْ هَذِهِ الْفَرَائِضِ أَرْبَعَةَ حُدُودٍ لَا يَسَعُ أَحَدًا جَهْلُهَا أَوْلَاهَا الصَّلَاةُ ثُمَّ الزَّكَاةُ ثُمَّ الصِّيَامُ ثُمَّ الْحَجُّ ثُمَّ الْوَلَايَةُ وَ هِيَ خَاتِمَتُهَا وَ الْحَافِظَةُ لِجَمِيعِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ؛
۵. در برخی روایات به‌صورت مجزاً به «شرط لزوم» این عوامل اشاره شده است. برای مثال، روایتی که به لزوم تقید به حفظ ولایت در سیستم اسلامی پرداخته و بیان‌شده است که بی‌توجهی به عامل کلیدی ولایت موجب می‌شود هیچ بهره‌ای نصیب فرد نشود و باعث خروج از ایمان می‌شود و یا در این روایت به نقش «محوری» نماز به‌عنوان «ستون دین اسلام» تأکیدی مجدد می‌شود (الکافی ج ۲ ص ۱۸).
- ... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ... قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ فَقَالَ الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ... ثُمَّ قَالَ ذُرُوهُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَا يَهْتَدِ وَ لَمْ يَلِ اللَّهَ فَيُؤَالِيهِ وَ يَكُونَ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ....
- بر اساس استدلال‌هایی که بیان شد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که عوامل نه‌گانه موجود در روایات «بنی‌الاسلام» از مشخصه شرط لازم در موفقیت سیستم برخوردار هستند.

۲. مشخصه «شرط کافی» عوامل کلیدی موفقیت. یعنی توجه مناسب به این عوامل کلیدی برای موفقیت سیستم کافی باشد؛ به عبارتی دیگر از ویژگی‌های متمایز عوامل کلیدی موفقیت این است که توجه و مدیریت صحیح این موارد معدود، موفقیت سیستم را «تضمین» می‌کند. به صورت دقیق‌تر مشخصه «شرط کافی» از نگاه روایات «بنی‌الاسلام» به صورت زیر قابل مشاهده است:

۱. در روایتی امام باقر (ع) می‌فرماید: «هنگامی که خداوند به پیامبر (ص) اجازه داد تا از مکه خارج شود و با ورود به مدینه نظام اسلامی را در این شهر تأسیس کند، پیامبر اکرم (ص) نظام اسلامی را به وسیله این عوامل بنا نهاد»؛ به عبارتی دیگر، امام باقر (ع) توضیح داده‌اند که پیامبر اکرم (ص) به عنوان مؤسس نظام اسلامی و همچنین به عنوان الگوی عملی دیگران، در یک نمونه عینی ایجاد و مدیریت یک نظام اسلامی را به وسیله توجه و مدیریت مناسب عواملی محدود و کلیدی اجرایی کرده است. توجه شود که در قسمتی دیگر از این حدیث، امام باقر (ع) به دیگر واجبات و یا محرمات الهی به تناسب‌هایی پرداخته است؛ ولی به فرمایش ایشان آن‌ها مواردی نیستند که نظام اسلامی با آن‌ها تأسیس می‌شود. در این روایت، امام باقر (ع) با صراحت معدود عوامل موجود در روایات «بنی‌الاسلام» را در میان دیگر فرائض و احکام و حدود الهی موجب «تأسیس» اسلام ذکر می‌کند (الکافی ج ۲ ص ۳۱).

... فَلَمَّا أَذِنَ اللَّهُ لِمُحَمَّدٍ فِي الْخُرُوجِ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسِ شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا صَ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ حَجِّ الْبَيْتِ وَ صِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ....

۲. روایات «بنی‌الاسلام» که در آن‌ها عدد ذکر شده است (برای مثال، بیان شده که نظام اسلامی بر ۵ چیز پایه‌گذاری شده است (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ) (الکافی ج ۲ ص ۱۸)، یا بیان شده نظام اسلامی بر ۱۰ بخش پایه‌گذاری و تأسیس شده است، (وسائل‌الشیعة ج ۱ ص ۲۶) (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى عَشْرَةِ أَشْيَاءٍ)، یا نظام اسلامی بر اساس پنج ویژگی ایجاد شده (بحار الأنوار ج ۶۵ ص ۳۷۹))، معلوم می‌سازند که این عوامل کلیدی به منظور تأسیس و پایه‌گذاری نظام اسلام کفایت می‌کنند. در همین راستا، روایتی از امیرالمؤمنین (ع) به صراحت، انحصار و کفایت این عوامل کلیدی در تأسیس و ایجاد نظام اسلامی را با تأکید بر تعداد آن‌ها روشن می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «این‌ها مواردی هستند که خداوند سبحان در کتاب خود واجب کرده است و این‌ها همان ستون‌ها و پایگاه‌های نظام اسلامی هستند که ۵ عدد بوده و بر اساس این واجبات پنج‌گانه است که اسلام تأسیس و پایه‌گذاری می‌شود» (بحار الأنوار ۶۵ ۳۹۱).

... عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ ... مَا فَرَضَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ فِدَعَاتِمُ الْإِسْلَامِ وَ هِيَ خَمْسُ دَعَائِمٍ وَ عَلَى هَذِهِ الْفَرَائِضِ الْخَمْسِ بُنِيَ الْإِسْلَامُ....

۳. در روایتی که در قسمت‌های قبلی از پیامبر اسلام (ص) نقل شد، ایشان فرموده بودند اگر به این موارد (حیاتی و کلیدی) توجه و عمل کنید وجودتان پاکیزه می‌شود و وارد بهشت پروردگارتان

می‌گردید. توجه شود که چنین جمله‌های شرطی که با اسلوب فعل امر و در قالب فعل طلب و جواب طلب هستند، در ادبیات عربی دلالت بر تحقق حتمی و بی‌چون‌وچرای نتایج (جواب طلب که در اینجا پاکیزگی وجود و ورود به بهشت است) در صورت تحقق شرط دارد که در اینجا عمل به عوامل کلیدی است؛ به عبارت دیگر، پیامبر (ص) می‌فرماید که با عمل به این عوامل کلیدی، تحقق هدف و موفقیت در پاکیزگی وجود و ورود به بهشت پروردگار برای افراد نظام اسلامی تضمینی است (وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۳).

... عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ... فَأَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَصَلُّوا خَمْسَكُمْ وَصُومُوا شَهْرَكُمْ وَحُجُّوا بَيْتَ رَبِّكُمْ وَأَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ طَيِّبَةً بِهَا نُفُوسُكُمْ وَأَطِيعُوا وَاةَ أَمْرِكُمْ تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ.

۳. ویژگی اهرمی و بنیادین عوامل کلیدی موفقیت. همه عوامل کلیدی موفقیت باید حداقل در یکی از ویژگی‌های اهرمی یا بنیادین به صورت ممتاز و مؤثر عمل کنند؛ یعنی یک عامل کلیدی موفقیت آنگاه که یکی از نقش‌ها و رفتارهای خرده‌سیستم اهرمی یا خرده‌سیستم بنیادین را بر عهده دارد می‌تواند به عنوان عامل کلیدی موفقیت آن سیستم محسوب شود.

در احادیث مختلف اهل بیت (ع)، شامل روایات «بنی الاسلام» و ویژگی‌های اهرمی و بنیادین این عوامل کلیدی موفقیت توصیف و توضیح داده شده‌اند.^۱

در توصیف ویژگی اهرمی بیان شد که برخی اجزای یک سیستم هستند که می‌توانند عوامل اصلی هدایت و کنترل، پویایی و انعطاف، قدرت و تغییر سیستم باشند و خرده‌سیستم‌های اهرمی به خرده‌سیستم‌هایی گفته می‌شود که به دلیل ویژگی اهرمی موجود در آن‌ها در تغییرات، پویایی، کنترل و هدایت سیستم‌ها به کار می‌آیند.

در حدیث امام باقر (ع)، ایشان چنین ویژگی و نقشی را برای عامل کلیدی ولایت بیان می‌کنند. امام (ع) در بیان دلیل برتر بودن «ولایت» نسبت به دیگر عوامل می‌فرماید: ولایت، کلیدی به سوی دیگر عوامل پایه‌ای نظام اسلامی است و کسی که عامل ولایت در او مستقر شده «راهنما» و تعیین کننده جهت «به سوی دیگر عوامل» است. امام (ع) در ادامه روایات پس از ذکر خصوصیات تک‌تک عوامل کلیدی نظام اسلامی، مجدداً در توصیف «عامل کلیدی ولایت» این گونه بیان می‌دارند که ولایت بلندترین و بالاترین عامل کلیدی و کلید و دروازه‌ای برای دستیابی و نیل صحیح به دیگر عوامل کلیدی است. این ولایت است که موجب رضای الهی می‌شود؛ از این رو اگر در جایی دیگر عوامل کلیدی همچون نماز و روزه و حج و زکات بدون توجه

۱. البته روایات بسیار زیادی در ابواب مختلف کتب حدیث اختصاصاً به بیان و توصیف یکی یا چند مورد از عوامل ذکر شده در روایات «بنی الاسلام» می‌پردازند و می‌توانند منبع مناسبی برای توضیح ویژگی اهرمی و بنیادین این عوامل کلیدی نظام اسلامی در پژوهش‌های بعدی باشند.

به عامل ولایت باشد بهره‌ای نبرده و هنوز در دامنه ایمان قرار نگرفته (الکافی ج ۲ ص ۱۸).

... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِمْ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ فَقَالَ الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ ... قَالَ ثُمَّ قَالَ ذُرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رَضِيَ الرَّحْمَنُ الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَايَةً وَ لِيَّ اللَّهُ فَيُؤَالِيهِ وَ يَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَأَ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ ...

در روایات متعدد و همچون حدیثی که در بالا از امام باقر (ع) ذکر شد، نماز ستون اصلی نظام اسلامی ذکر شد و از این مفهوم به وسیله «نماز ستون خیمه‌ی اسلام» تعبیر شده است (الکافی ج ۲ ص ۱۸). در این تعبیر ستون خیمه (عمود) است که باعث ثبات و استحکام خیمه می‌شود و هر گونه تزلزل و یا سقوط در ستون خیمه معادل تزلزل و انهدام در کل خیمه است.

در دیگر توضیحات موجود در روایات «بنی الاسلام» ویژگی «ثبات، استحکام و نقش مؤثر در مسیر و جهت نظام اسلامی» به این عوامل نسبت داده شده است. برای مثال، در توصیف «نهی از منکر»، تعبیر به «راه و مسیر» شده است. یعنی -به تعبیر علامه مجلسی- در اثر نهی از منکر است که مسیر حرکت نظام اسلامی به راه درستش باز می‌گردد (بحار الأنوار ج ۶۵ ص ۳۹۱)؛ همچنین در دیگر روایات، حج علت استحکام دین اسلام دانسته شده است (وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۲)؛ از سوی دیگر بیان شد که ویژگی بنیادین ناظر به سلامتی، حفظ، بقا و رشد تکاملی سیستم است و در اثر تضعیف خرده سیستم‌های بنیادین خطر مرگ، نابودی و یا بیماری و نقص اساسی در سیستم وجود دارد.

عامل کلیدی ولایت علاوه بر ویژگی اهرمی، ویژگی بنیادین را نیز دارا است. در روایاتی امیرالمومنین (ع) فرموده‌اند که ولایت حافظ همه واجبات و سنت‌های نظام اسلام است؛ یعنی در برابر هر گونه نقص و یا تهدیدی به سلامتی سیستم اسلام، خرده سیستم ولایت از آن محافظت خواهد کرد (وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۷).

... أَوْلَاهَا الصَّلَاةُ ثُمَّ الزَّكَاةُ ثُمَّ الصِّيَامُ ثُمَّ الْحَجُّ ثُمَّ الْوَلَايَةُ وَ هِيَ خَاتِمَتُهَا وَ الْحَافِظَةُ لِجَمِيعِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ. و بر همین اساس است که در روایتی دیگر از پیامبر اکرم (ص)، ایشان ادعای یکی از اصحاب مبنی بر «هلاکت حتمی قوم پیامبر (ص) در صورت ترک ولایت» را تأیید می‌کنند (بحار الأنوار ج ۶۵ ص ۳۸۷). در حدیثی از امام صادق (ع)، اشاره شد است که این ویژگی بنیادین در دیگر عوامل کلیدی ذکر شده در روایات «بنی الاسلام» موجود است؛ زیرا در صورت بی‌توجهی و ترک هر کدام از این عوامل به نابودی و هلاکت منجر می‌شود (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۹)؛ به علاوه با بررسی دیگر روایات مجدداً ویژگی‌های بنیادین دیگری از این عوامل کلیدی به دست می‌آیند.

مثلاً اینکه دلیل ایجاد خرده سیستم زکات در نظام این است که اثر آن در نظام اسلامی، پاک‌کنندگی پلیدی‌ها و حرام‌ها از مال است (وسائل‌الشیعه ج ۱ ص ۲۶) و همچنین، زکات باعث می‌شود که -پیامدهای بد- گناهان از بین برود؛ روزه سپری در برابر آتش (به‌عنوان نتیجه اعمال خطا و ناصحیح) است و حج باعث باعث پوشش و محافظت از بدهی‌ها می‌شود (الکافی ج ۲ ص ۱۸)؛ یعنی این عوامل حافظ سلامتی و بقای نظام اسلامی - حقیقی - هستند.

۴. جایگاه سیستمی عوامل کلیدی موفقیت. بیان شد که تک‌تک عوامل کلیدی موفقیت باید نقش و وظیفه درون سیستمی داشته باشند؛ یعنی عوامل کلیدی موفقیت خرده سیستم‌های درون سیستم هستند و در درون سیستم هویت و معنا یافته‌اند و نباید پدیده‌ای مجزا از سیستم باشند. این عوامل باید نقش و جایگاه تعریف‌شده خود را در ارتباط با دیگر اجزای سیستم ایفا کنند. روایات «بنی‌الاسلام» در موارد متعدد به تأثیر و تعامل این عوامل کلیدی بر دیگر خرده سیستم‌های نظام اسلامی و همچنین نقش تعریف‌شده‌ای که هر خرده سیستم کلیدی در جهت تحقق اهداف نظام اسلامی ایفا می‌کند، اشاره دارد.

در یک جمع‌بندی کلی، نقش‌ها به این صورت هستند: ولایت اساس و ستون نظام اسلام است (وسائل‌الشیعه ج ۱ ص ۲۶)؛ همچنین کلید، راهنما و دلیلی بر دیگر عوامل است (الکافی ج ۲ ص ۱۸). ولایت همچنین محافظ همه واجبات و سنت‌های اسلام است (الکافی ج ۲ ص ۱۸). نماز ستون نظام اسلام است (همان) و باعث دوری از آفت خودبزرگ‌بینی بیجا می‌شود (وسائل‌الشیعه ج ۱ ص ۲۲). زکات، پیش‌نیاز، مقدمه و همراه نماز است (الکافی ج ۲ ص ۱۸) و نقش پاک‌کنندگی دارایی‌های افراد را دارد (وسائل‌الشیعه ج ۱ ص ۲۶). حج باعث استحکام نظام اسلامی می‌شود (وسائل‌الشیعه ج ۱ ص ۲۲) و در همین راستا باعث آموزش گناهان و پیامدهای بد اعمال است (الکافی ج ۲ ص ۱۸). جهاد باعث سربلندی و استحکام نظام اسلام است و امر به معروف باعث می‌شود که تعهد نسبت به خداوند به نحو کامل انجام شود (الکافی ج ۲ ص ۱۸)؛ درحقیقت امر به معروف باعث نفع و مصلحت عمومی افراد نظام اسلامی (وسائل‌الشیعه ج ۱ ص ۲۲) و ثبات و وقار در نظام اسلامی می‌شود؛ درنهایت نهی از منکر حجت و مسیر درست است (وسائل‌الشیعه ج ۱ ص ۲۶).

نقش تخصصی و ویژه هر یک از این عوامل مورد توجه عامدانه و آگاهانه روایات بوده است؛ زیرا در برخی روایات «بنی‌الاسلام» به تفصیل نقش و جایگاه خاص تمامی این عوامل کلیدی توضیح داده شده‌اند؛ بدین معنا که در نظام اسلامی همه نقش‌های محوله به این عوامل کلیدی نه از سر اتفاق، بلکه با هدفی حکیمانه تعریف و مشخص شده‌اند. برای مثال در حدیثی (ص) می‌فرمایند: «اسلام بر ۱۰ حیطة و بخش بنیان نهاده شده. شهادت بر لاله‌الاله‌الله که آن اساس و

ستون است و نماز که از بزرگ‌ترین واجبات است و روزه که سپر آتش جهنم است و زکات که پاک‌کننده است و حج که بزرگ‌ترین مسائل شرعی است و جهاد که باعث عزت و سربلندی و قوت است و امر به معروف که وفای به عهد خداست و نهی از منکر که حجت است و جماعت که باعث الفت می‌شود و عصمت (اهل بیت ع) که چنگ‌زدن، تبعیت و اطاعت از اهل بیت (ع) است (وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۶).^۱

... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى عَشْرَةِ أَسْهُمٍ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ هِيَ الْمِلَّةُ وَ الصَّلَاةُ وَ هِيَ الْفَرِيضَةُ وَ الصَّوْمُ وَ هُوَ الْجَنَّةُ وَ الزَّكَاةُ وَ هِيَ الْمُطَهَّرَةُ وَ الْحَجُّ وَ هُوَ الشَّرِيعَةُ وَ الْجِهَادُ وَ هُوَ الْعِزُّ وَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ هُوَ الْوَفَاءُ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ هُوَ الْحُبَّةُ وَ الْجَمَاعَةُ وَ هِيَ الْأَلْفَةُ وَ الْعِصْمَةُ وَ هِيَ الطَّاعَةُ.

۵. مدیریت‌پذیری عوامل کلیدی موفقیت. یکی از ویژگی‌های لازم و اساسی «عوامل کلیدی موفقیت» قابلیت کنترل، نظارت و سنجش و قابل‌حصول بودن این عوامل است. درحقیقت بر اساس این مشخصه است که می‌توان مطمئن شد عوامل کلیدی موفقیت قابلیت اجرایی شدن را دارند و می‌توان بر اساس آن‌ها سیستم را مدیریت کرد.^۲

ویژگی قابلیت مدیریت، نظارت و سنجش این عوامل کلیدی در نظام اسلامی، بر اساس راهنمایی‌های اهل بیت (ع) در تعریف عینی آن‌ها مهیا شده است. اهل بیت (ع) بیان کرده‌اند که برای اجرایی‌سازی عواملی مثل ولایت، نماز، روزه و غیره در برای عموم مردم در نظام اسلامی کافی است که به احکام ساده و عینی (همان احکام اسلامی) ذیل آن‌ها توجه شود؛ یعنی برخلاف آنکه عواملی چون نماز، روزه، حج و از این قبیل در پس خود غایتی بسیار متعالی، پیچیده و غیرقابل مدیریت دارند، به‌منظور اجرایی‌سازی در نظام اسلامی تعریفی عینی و روشن -همان احکام فقهی- دارند و همین برای تأثیرگذاری آن‌ها کافی است؛ و این چنین این عوامل کلیدی، مدیریت‌پذیر می‌باشند. در روایات «بنی الاسلام» تصریح شده است که تحقق هر یک از این عوامل -نه امری مبهم و غیرقابل ارزیابی، بلکه- بر اساس همان احکام حداقلی ذیل هر یک است. برای مثال، تعریف عینی انجام نماز همان رعایت رکوع و سجده است و برای زکات، دانستن حدود آن است؛ و برای حج، انجام احرام در وقت مشخص شده است؛ و برای روزه، اجتناب از خوردن و آشامیدن تعریف عینی و ملموس روزه است؛ و حتی برای مفهوم به نسبت انتزاعی ولایت نیز تعریفی عینی ارائه داده‌اند (بحارالانوار ج ۶۵ ص ۳۷۸). برای مثال، توصیفات عینی امیرالمؤمنین (ع) در توضیح عوامل کلیدی موفقیت به‌صورت زیر است:

۱. ترجمه مطابق شرح علامه‌ی مجلسی در ذیل همین روایت است (بحارالانوار ج ۶۵ ص ۳۷۸)

۱. در مباحث مدیریت راهبردی نیز از «عوامل کلیدی موفقیت» به‌عنوان یک ابزار نظارتی و سنجش استفاده می‌شود.

- تعریف عینی ولایت در مورد اهل بیت (ع) در بیان امیرالمؤمنین (ع) چنین است:

۱. بدانیم ولی خدا، معصوم از هر گونه خطا لغزش انحراف عمومی و گناه کوچک و بزرگ است؛
۲. ولی خدا «بخشنده‌ترین» مردم است و بخلی در او وجود ندارد؛
۳. ولی خدا «شجاع‌ترین» مردم است.

- همچنین ایشان تعریف عینی نماز را بر اساس انجام رفتارهای مشخص زیر بیان می‌دارند:

۱. شناخت وقت نماز؛
۲. شناخت قبله و رو به سوی آن کردن؛
۳. رکوع؛
۴. سجود؛
۵. وضو.

- تعریف عینی زکات بر اساس رفتارهای زیر است:

۱. شناخت مقدار وجوب زکات؛
۲. شناخت آنچه بر آن زکات شامل می‌شود؛
۳. شناخت زمان پرداخت زکات و آشنایی با حساب و کتاب و عدد و قیمت؛

- تعریف عینی حج را مبتنی بر چهار اقدام زیر بیان می‌کنند:

۱. احرام در وقت مشخص خود؛
۲. طواف خانه خدا؛
۳. سعی صفا و مروه؛
۴. وقوف در عرفه و مزدلفه.

- امام علی ع تعریف عینی و اجرایی روزه را چنین بیان می‌دارند:

۱. اجتناب از خوردن؛
۲. اجتناب از آشامیدن؛
۳. اجتناب از فروبردن سر به زیر آب؛
۴. اجتناب از تماس جنسی.

به عبارتی دیگر مقصود اهل بیت (ع) از مدیریت و اجرایی‌سازی این عوامل کلیدی که موجب شکل‌گیری، سلامت، تکامل، رشد و قوت و ایجاد فرهنگ نظام اسلامی می‌شود، همین ظواهر رفتاری و احکام اجرایی آنها است؛ البته این نافی مفاهیم عمیقی نیست که در پس هر یک از این عوامل کلیدی مثل ولایت، نماز، روزه، حج وجود دارد.

با توجه و عمل به این موضوع‌های به‌ظاهر عادی و در عین حال ساده است که نظام اسلامی تأسیس می‌شود، قدرت می‌گیرد و رشد می‌یابد. چنین سادگی ظاهری عوامل کلیدی موفقیت

نظام اسلامی در کنار اثرات پیچیده و بزرگ خود، ناشی از عمق حکمت خالق این نظام اسلامی است. همو که با بیان خرده‌سیستم‌های اهرمی و بنیادین از لسان والیان دین اسلام، رشد و حیات و دوام نظام اسلامی را مهیا و تسهیل کرده است. در این میان مناسب است که مثال «سکانک پیتر سنگه» یادآوری شود. قطعه‌ای به‌ظاهر کوچک ولی با تأثیرات بزرگ که برای تنظیم حرکت یک تانکر نفتی غول‌پیکر در دریا کفایت می‌کند و با تغییرات بسیار ساده در سکانک، مسیر حرکت کشتی هدایت و کنترل می‌شود. این امر ناشی از علم سازندگان سیستم کشتی به برخی قوانین، چون قوانین هیدرولیک است. در نظام اسلامی نیز عوامل کلیدی موفقیت با توجه به شرایط واقعی و سنت‌های الهی موجود در جهان ایجاد شده‌اند تا این نظام رفتار مناسبی در برابر چالش‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها داشته باشد.

۵. نتیجه‌گیری و ارائه مدل مفهومی

جمع‌بندی. تا اینجا مشخص شد که در روایات موسوم به «بنی‌الاسلام» عواملی نام برده شده است که نقشی کلیدی در قدرت، پویایی، بقا و رشد تکاملی نظام اسلامی دارند؛ اما برای آنکه عوامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی به‌صورت کامل و نهایی مشخص شوند یک تعریف بسط‌داده‌شده از این عوامل کلیدی موفقیت الزامی است؛ زیرا مفهومی مانند «نماز» در عین اینکه رهنمون بسیار روشنی به یک عامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی است، باید در قالب یک تعریف متناسب با مبانی عوامل کلیدی موفقیت بسط داده شود. براس مثال، در عین اینکه «منابع انسانی» در سازمان‌ها عامل مهمی است و سازمان‌ها برای موفقیت باید به «منابع انسانی» خود توجه داشته باشند؛ اما موضوع منابع انسانی به‌خودی‌خود، برای اینکه به‌عنوان یک عامل کلیدی موفقیت به‌حساب آید، باید بسط داده شود. در این مثال ممکن است «تأمین حداقل مایحتاج مادی نیروی انسانی» به‌عنوان یک عامل کلیدی موفقیت محسوب شود و قابل‌ارائه است.

در این قسمت تعریفی جمع‌بندی‌شده و نظام‌مند تک‌تک این عوامل کلیدی ارائه می‌شود؛ یعنی به‌صورت جمع‌بندی‌شده همه این عوامل از لسان روایات تعریف شده و توضیح داده می‌شوند. در تعریف و توضیح این عوامل علاوه بر لحاظ کردن توصیفاتی که روایات مربوطه از این عوامل داشته‌اند، همزمان به ماهیت سیستمی این عوامل کلیدی در نظام اسلامی نیز توجه شده است:

۱. ولایت: عامل ولایت در روایات «بنی‌الاسلام» شامل شهادت به وحدانیت خداوند و ولایت اهل بیت (ع) است. بنا بر توصیفاتی که در روایات ارائه‌شده تعریف عامل کلیدی شهادت به وحدانیت خداوند در نظام اسلامی به‌صورت «باور قلبی به وحدانیت خداوند و آشکار کردن این باور (شهادت) و پایبندی به آن در تمامی ابعاد زندگی» است؛ همچنین تعریف عامل کلیدی ولایت

اهل بیت (ع) به صورت «تبعیت در چگونگی اجرای عوامل کلیدی موفقیت نظام اسلامی از منتخبین الهی در مسیر توحید» است.

ولایت در این پژوهش بر اساس روایات «بنی الاسلام» شامل ولایت الله ^{جل جلاله} و در راستای آن ولایت پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه طاهرين پس از پیامبر اکرم (ص) است. نحوه بیان ابعاد ولایت در روایات «بنی الاسلام» متفاوت است. بدین صورت که در بیشتر روایات فقط کلمه «ولایت» آمده است و در برخی روایات نیز هر سه بُعد ولایت (خداوند ^{جل جلاله}، پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی طاهرين (ع)) ذکر شده‌اند. در برخی روایات نیز یک یا دو مورد را ذکر کرده‌اند. بر اساس روایات، معلوم شد ولایت نقش محافظ جمیع فرائض و سنن، بالاترین و مرتفع‌ترین واجبات نظام اسلامی را دارد؛ به طوری که اگر فردی ولایتش ناقص باشد از دامنه مؤمنان به دین اسلام خارج شده است.

۲. نماز: نماز به عنوان یک عامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی به معنای «پایبندی همه افراد به اظهار الزامی رابطه بندگی با خداوند همیشه و در هر شرایطی» است. در روایات «بنی الاسلام» نماز به عنوان «ستون اصلی خیمه دین اسلام» مطرح شده است؛ همچنین نماز «از بزرگ‌ترین فرائض» و دومین فریضه برتر نظام اسلامی پس از ولایت است.

۳. زکات: زکات به عنوان یک عامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی به معنای «عزم و اقدام عمومی برای پاک کردن جان و مال خویش» است. زکات سومین فریضه برتر نظام اسلامی است و نقش پاک‌کنندگی دارد. مهم‌ترین امور مردم چون امور مادی آن‌ها با زکات پاک و زیاد می‌شود.

۴. حج: حج به عنوان یک عامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی به معنای «انجام اقدامی گسترده، جمعی و اختصاصی به سمت خدا و نمایش جهانی عظمت نظام اسلامی» است. حج چهارمین فریضه برتر نظام اسلامی است و باعث غفران و گذشت الهی از گناهان می‌شود.

۵. روزه: تعریف روزه به عنوان یک عامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی «خودکنترلی اعضای جامعه و رام کردن (تحت کنترل درآوردن) شهوات نفس» است. روزه پنجمین فریضه برتر نظام اسلامی است و جایگاه حفاظ و سپر در برابر نتیجه اعمال ناصحیح که موجب عذاب آتش می‌شود را دارد؛ همچنین روزه موجب تثبیت اخلاص است.

۶. جهاد: تعریف جهاد به عنوان یک عامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی «تلاش برای مقابله با تهدیدها و موانع خارجی نظام اسلامی» است. در روایات «بنی الاسلام» جهاد باعث عزت نظام اسلامی و نفوذناپذیری آن می‌شود.

۷. امر به معروف: تعریف امر به معروف به عنوان یک عامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی «دعوت همدلانه یکدیگر به هنجارهای مطلوب اسلامی» است. امر به معروف باعث آرامش، ثبات و متانت درونی نظام اسلامی می‌شود و مصلحت عموم افراد نظام اسلامی در پس رعایت آن است.

۸. نهی از منکر: تعریف نهی از منکر به‌عنوان یک عامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی به‌صورت «برحذر داشتن یکدیگر از هنجارهای نامطلوب اسلامی» است. در روایات بیان شد است که نهی از منکر حجت و راه است و موجب استقرار نظام اسلامی در مسیر صحیح می‌شود.

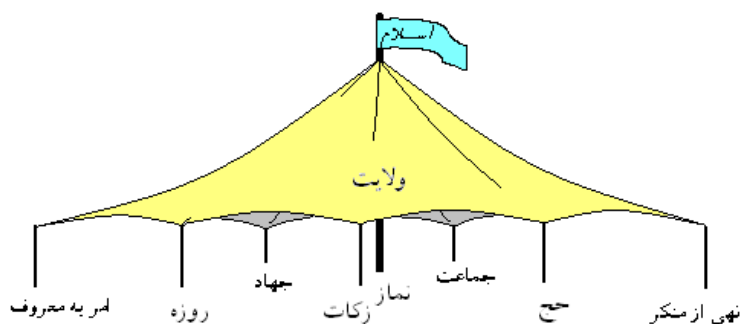
۹. جماعت: جماعت به‌عنوان یک عامل کلیدی موفقیت در نظام اسلام به معنای «توسعه و تعمیق ارتباط نظام‌مند در میان اعضای جامعه اسلامی» است که از مصادیق مهم این ارتباط عمیق، گسترده و نظام‌مند اقامه نمازهای روزانه در مساجد و به‌صورت جماعت است. این عامل کلیدی از پایه‌های نظام اسلامی برشمرده شده است و باعث الفت، انس و دوستی میان اعضای نظام اسلامی می‌شود.

مدل مفهومی. در لسان روایات، هنگام توضیح این عوامل کلیدی موفقیت، مشاهده می‌شود که تشبیهاتی به خیمه و اجزای خیمه وجود دارد. به این صورت که گویا نظام اسلامی یک خیمه است - و این خیمه یک سیستم کلی و یکپارچه است - که عوامل کلیدی موفقیت اجزای خیمه اسلام هستند؛ یعنی خرده‌سیستم‌هایی که خود زیرمجموعه و تشکیل‌دهنده نظام اسلامی می‌باشند. تشبیه و تعبیری این‌گونه از عوامل کلیدی در روایات «بنی الاسلام»، پژوهشگران را بر آن داشت که «عوامل کلیدی موفقیت نظام اسلامی» را در «مدل خیمه» به‌صورت شکل ۲ نشان دهند.

در این مدل، نظام اسلامی در مفهوم سیستمی خود و به‌صورت تعامل بین خرده‌سیستم‌های کلیدی خود نمایش داده می‌شود؛ یعنی هیچ‌یک از اجزای این خیمه، به‌تنهایی خیمه و نظام اسلامی نیستند و کلیت نظام اسلامی در مجموع نظام‌مند این اجزا قابل‌فهم و مشاهده می‌شود. خیمه اسلام بر پایه‌های نگه‌دارنده نظام اسلامی شامل زکات، حج، روزه، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و جماعت استوار شده است (ر.ک. تعبیر دعائم الاسلام در همین نوشتار) و اگر هر یک از این پایه‌ها نباشند در تعادل و توازن خیمه و کارایی آن خللی عمده وارد می‌شود (ر.ک. تعبیر اثنای الاسلام در همین نوشتار)؛ همچنین، مشاهده می‌شود که نماز از سایر پایه‌های خیمه اسلام محوری‌تر است و به‌عنوان دومین فریضه مهم نظام اسلامی نقش ستون اصلی خیمه اسلام (عمود) را دارد و البته در کنار دیگر پایه‌های خیمه‌ی اسلام است. عامل کلیدی ولایت در مدل خیمه، هم حفظ‌کننده و هم جمع‌کننده دیگر عوامل است و آن‌ها را پوشش می‌دهد؛ از سویی دیگر از سایر عوامل بالاتر و مرتفع‌تر است (ر.ک. الکافی ج ۲ ص ۱۸) و همچنین مهم‌ترین هدف خیمه را در سرپناه‌دادن و سایه‌گسترده و ایجاد آرامش و اطمینان بر عهده دارد؛ البته سایر عوامل کلیدی را نیز استوار نگه داشته است. در مدل خیمه مشاهده می‌شود که نظام اسلامی علی‌رغم وجود بقیه عوامل کلیدی موفقیت، بدون وجود عامل کلیدی «ولایت» هیچ

تأثیری ندارد و به هدف خود نمی‌رسد. اساساً در چنین حالتی نمی‌توان گفت که خیمه‌ای از اسلام (نظام اسلامی) برپا و تأسیس شده است. این موارد نمایش‌دهنده همان تعابیری است که در روایات «بنی‌الاسلام» نسبت به ولایت و دیگر عوامل کلیدی موفقیت نظام اسلامی ارائه شده است.

سیستم اسلام نه در جزء جزء خود بلکه در تعامل مجموع اجزایش نمودار شده است و این کلیت واحد خیمه، نظام اسلامی است (ر.ک. تعبیر فهدا الاسلام).



شکل ۲ عوامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی

مفاهیم نماز، روزه، حج و غیره، اسامی «عوامل کلیدی موفقیت در نظام اسلامی» هستند که تعریف مدیریتی هر یک از آنها می‌تواند به‌عنوان عامل کلیدی موفقیت محسوب شود. در یک جمع‌بندی، بنا بر مبانی علمی بیان‌شده و روایات تحلیل‌شده در این مقاله، اگر شرایط در نظام اسلامی به‌گونه‌ای مدیریت شود که افراد جامعه اسلامی به‌صورت دوستانه، روزانه و گسترده در تعامل مستقیم با یکدیگر باشند (جماعت)، همدیگر را به‌صورت همدلانه به خوبی‌ها سفارش کنند و از بدی‌ها بازدارند (امر به معروف و نهی از منکر)، مال خود را از ناپاکی محفوظ دارند (زکات)، در همه حالی اظهار بندگی نسبت به خداوند داشته باشند (نماز و توحید) و به‌صورت دوره‌ای تمرین کنترل هواهای نفسانی داشته باشند (روزه) و به‌صورت دوره‌ای و به حالت دسته‌جمعی پایبندی نمادین خود به خداوند را در ملأعام به جهانیان اعلام دارند (حج) و اگر هم‌گی در آمادگی باشند تا در صورت وجود تهدید یا مشکلی در سر راه جامعه اسلامی آن را مرتفع سازند (جهاد) و در نهایت اینکه چگونگی اجرایی‌سازی صحیح این عوامل کلیدی موفقیت را از والیان منتخب و معرفی‌شده الهی الگوبرداری کنند (ولایت)، تضمین شده است که به‌صورتی هم‌افزا و با سرعت و کیفیتی بیش از حد انتظار (ویژگی اهرمی و بنیادین در خرده سیستم‌های کلیدی موفقیت) ویژگی‌های مطلوب، ایده‌آل و وعده‌داده‌شده نظام اسلامی ظاهر می‌شوند. این‌ها

خرده‌سیستم‌های کلیدی موفقیت نظام اسلامی هستند. «خرده‌سیستم‌هایی» که به‌صراحت عالم‌ترین مردم به دین اسلام، نقش کلیدی و اساسی در حفظ، گسترش و خودزایی، توسعه تکاملی و ماهوی، پویایی و اقتدار و تحقق اهداف اسلام خواهند داشت. ازجمله اثرات اجرایی‌سازی آن‌ها سلامت نظام اسلامی، اقتدار و ثبات نظام اسلامی، انس و دوستی عمیق بین افراد نظام اسلامی، زیادی روزی و مال و بسیاری وعده‌های ذکرشده از لسان اهل بیت (ع) خواهد بود؛ به عبارت دیگر هر مدیری که می‌خواهد بر نظامی اسلامی مدیریت کرده و یا آن را نهادینه کند، لزوماً باید به تحقق صحیح این پایه‌های اسلام (دعائم الاسلام) پردازد. توجه به این عوامل محدود و محدود برای موفقیت کافی است و حتماً هدف مدنظر محقق خواهد شد. اینها همان محورهایی هستند که پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان نخستین اقدام برای تأسیس و مدیریت اسلام در نظام اسلامی مدینه النبی به‌خوبی و با موفقیت اجرایی ساختند و آن را به‌عنوان الگویی روشن پیش راه دیگران قرار دادند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی جمهور احسائی (ابوجعفر، محمد بن علی بن ابراهیم) (۱۴۰۵ ه.ق). *عوالی الالالی*. قم: سید الشهداء علیه السلام.
۳. ابن بطریق حلی (یحیی بن حسن بن حسین اسدی حلی) (۱۴۰۷ ه.ق). *العمده*. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
۴. ابن منظور (۱۴۰۵ ه.ق). *لسان العرب*. قم: ادب حوزه.
۵. استرمن، جان دی (۱۳۸۶). *پویایی‌شناسی سیستم*. ترجمه دریانی، شهرام میرزایی؛ اصلی‌زاده، احمد؛ سلوک دار، علیرضا؛ شاهقلیان، کیوان؛ زنده باف، علیرضا. تهران: ترمه.
۶. برقی، احمد بن ابی‌عبدالله (۱۳۷۱ ه.ق). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامیه تمیمی (نعمان بن محمد) (۱۳۸۵ ه.ق). دعائم الإسلام. مصر: دار المعارف.
۷. البستانی، فؤاد افرام. ترجمه: بندر ریگی، محمد (۱۳۷۴). *فرهنگ جدید عربی-فارسی ترجمه منجد الطلاب*. تهران: اسلامی.
۸. حمیدیان پور، فخریه؛ جمادی، حمیده؛ محمدی، ایمان (۱۳۹۳). *مطالعه تطبیقی نظریه سیستم‌ها با اسلام*. اولین سمپوزیوم بین‌المللی علوم مدیریت با محوریت توسعه پایدار. تهران: موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
۹. ذاکری، بتول (۱۳۷۲). *روش‌های ساخت‌یافته تجزیه‌وتحلیل و طراحی سیستم‌های اطلاعاتی*. بی‌جا. بی‌نا.
۱۰. ربانی، محمدحسن (۱۳۸۲). *دانش رجال الحدیث*. مشهد: شرکت به‌نشر.
۱۱. رضاییان، علی (۱۳۸۰). *تجزیه‌وتحلیل و طراحی سیستم*. تهران: سمت.
۱۲. سنگه، پیتر. حافظ کمال هدایت و محمد روشن (۱۳۸۰). *پنجمین فرمان*. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۱۳. شاذان بن جبرئیل بن قمی (سدید الدین، ابوالفضل) (۱۳۶۳ ه.ش). *الفضائل*. قم: انتشارات رضی.
۱۴. شریفی، منصور (۱۳۷۸). «علوم انسانی علوم اداری و مدیریت بازنگری در روابط سیستم‌ها با محیط»، *مدیریت و توسعه*، (۱)، ۴۷-۵۳.
۱۵. شیخ حر عاملی (محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین) (۱۴۰۹ ه.ق). *وسائل الشیعه*. قم: موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۱۶. شیخ صدوق (محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی) (۱۳۶۲ ه.ش). *الأمالی*. تهران: کتابخانه اسلامی.
۱۷. شیخ صدوق (محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی) (۱۳۹۷ ه.ق). *فضائل الأشهر الثلاثة*. قم: مکتبه‌الداوری.
۱۸. شیخ صدوق (محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی) (۱۴۰۳ ه.ق). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۹. شیخ طوسی (ابوجعفر محمد بن حسن طوسی) (۱۴۱۴ ه.ق.). *الأمالی*. قم: دارالثقافه.
۲۰. شیخ مفید (محمد بن محمد بن نعمان) (۱۴۱۳ ه.ق.). *الأمالی*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۱. صادق پور، ابوالفضل؛ مقدس، جلال (۱۳۵۶). *نظریه جدید سازمان، مدیریت و علم مدیریت*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۲. عبداللّهی نیسیانی، علی (۱۳۸۸). *شناسایی عوامل حیاتی موفقیت در مدیریت اسلامی با تأکید بر تفکر سیستمی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق ع.
۲۳. علامه مجلسی (محمد باقر بن محمدتقی بن مقصود علی مجلسی) (۱۴۰۴ ه.ق.). *بحارالانوار*. لبنان: موسسه الوفاء بیروت.
۲۴. عمادالدین طبری (ابوجعفر، محمد بن ابی القاسم طبری) (۱۳۸۳ ه.ق.). *بشارة المصطفی*. نجف اشرف: کتابخانه حیدریه.
۲۵. عیاشی (محمد بن مسعود بن محمد بن عیاشی سمرقندی کوفی) (۱۳۸۰ ه.ق.). *تفسیر العیاشی*. تهران: چاپخانه علمیه.
۲۶. کلینی (محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی) (۱۳۶۵ ه.ش.). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. کراچکی، شیخ ابوالفتح (۱۳۹۴ هجری قمری). *معدن الجواهر*. تهران: کتابخانه مرتضویه
۲۸. مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۶۳). *درایه‌الحديث*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. معارف، مجید (۱۳۷۴). *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعیه*. تهران: ضریح. ۱۷.
۳۰. همایون، هادی؛ عبداللّهی نیسیانی، علی (۱۳۸۶). *تجزیه و تحلیل سیستمی فرآیند پرورش منابع انسانی در مسجد/نمایشه مدیریت راهبردی*. تهران: دانشگاه امام صادق ع. ۹۹-۱۲۶.
31. Badr, G. (1978). Islamic Law: Its Relation to Other Legal Systems. *The American Journal of Comparative Law*, 26(2), 187. doi: 10.2307/839667.
32. Boulding, K. (1956). General Systems Theory—The Skeleton of Science. *Management Science*, 2(3), 197-208. doi: 10.1287/mnsc.2.3.197.
33. Boynton, A.C. and Zmund, R.W. (1984). An assessment of critical success factors, *Sloan Management Review*, 25(4), 17-27.
34. Bullen, C.V. & Rockart, J.F., (1981). A Primer on Critical Success Factors. *Centre for Information Systems Research Working Paper*, No 69, Sloan School of Management, M.I.T. Cambridge, MA.
35. Chapra, M. (1971). *The economic system of Islam*. [Karachi]: Dept. of Publications, University of Karachi.
36. Elo, S. & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *J Adv Nurs*, 62(1), 107-115. doi:10. 1111/j. 1365-2648. 2007. 04569. x
37. Forster, Nancy S. Rockart, John F. (1989). Critical success factors: an annotated bibliography. CISR WP No. 191. Sloan WP No. 3041-89.
38. Levy, R. (1957). *The social structure of Islam*. Cambridge [England]: University Press.
39. Maudoodi, S., and Ahmad, K. (1994). *Economic system of Islam*. Lahore, Pakistan: Islamic Publications Ltd.
40. Mushtaq, M., Saghira, A., Kayani, M., & Bukhari, T. (2014). Islamic Management System and its Application in the 21st Century

World. *IJAREMS*, 3(3). doi: 10.6007/ijarems/v3-i3/906.

41. Pinto, J. & Slevin D. (1987). Critical Factors in Successful Project Implementation. *IEEE Transactions on Engineering Manegement*, 34(1), 22- 27.

42. Qureshi, A. (1979). *The economic and social system of Islam*. Lahore: Islamic Book Service.

43. Reilly, B., & Zangeneh, H. (1990). The Value-based Islamic Economic System and Other Optimal Economic Systems: A Critical Comparative Analysis. *International Journal of Social Economics*, 17(11), 21-35. doi: 10.1108/03068299010138280

44. Rockart, John F. (1979). Chief Executives Define their own Data Needs. *Harvard Business Review*, 38(1), 43-55.

45. Rockart, John F. (1982). The changing role of information systems executive: A critical success factors perspective. *Sloan Management Review*, 24(1), 3-13.

46. Shepard, W. (1989). Islam as a 'system' in the later writings of Sayyid Qutb. *Middle Eastern Studies*, 25(1), 31-50. doi: 10.1080/00263208908700766.

47. Thierauf, R.J. (1982). Decision support systems for effective planning and control, A Case Study Approach". Prentice-Hall, Enlewood Cliffs, NJ,.

48. Watson, Hugh & Frolick, Mark (1992). Executive Information Systems," *Information Systems Management*, 9(2), 37-43.

49. Zakiyah, Z. (2011). Islamic welfare system dealing with the poor in rural area. *Indonesian Journal of Islam And Muslim Societies*, 1(1), 37. doi: 10.18326/ijims.v1i1.37-67.

50. Zhang, Y., & Wildemuth, B. M. (2009). Qualitative analysis of content. In B. Wildemuth (Ed.) , *Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science* (pp. 308-319). Westport, CT: Libraries Unlimited.